**فصل سوّم**

در مقصود از حکمت که در الواح مبارکه نازل شده

جمالقدم جلّ جلاله در لوح جوان روحانی درخشی ميفرمايند قوله تعالی:

"انّا نوصيکم بالحکمة حکمت اعمال و افعالی است که سبب آگاهی غافلهای عالم است و همچنين تقرّب ايشان است بحزب اللّه. عباد بيچاره را ارباب عمائم باوهام تربيت نموده‌اند بايد حکمای ارض بکمال رأفت و محبّت عباد را بشريعت اللّه و مشرق عنايتش دعوت نمايند."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوحی ميفرمايند قوله الأحلی:

"در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بيان مراعات مقتضيات مکان و وقت شده مراد سکون روحی و شئون عنصری نبوده بلکه مراد الهی اين بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی‌نفع، ماء فيض الهی بر ارض طيّبه نازل گردد نه ارض جرزه.**[[1]](#footnote-1)** و الّا خاموشی شمع را حکمت نتوان گفت و پريشانی جمع را علامت وحدت نتوان شمرد. افسردگی و مردگی حيات و زندگی تعبير نشود و ناتوانی و درماندگی هوشمندی و زيرکی نگردد." ( مکاتيب جلد اوّل )

و نيز در لوح محفل روحانی طهران از يراعه**[[2]](#footnote-2)** مرکز ميثاق جلّ ثنائه نازل قوله الاحلی:

"بساط تبليغ بايد در جميع احيان ممدود گردد زيرا تأييد الهی موکول بر آن. اگر نفسی بجان و دل در نهايت همّت کمر بر تبليغ امرالله نبندد البتّه از تأييد ملکوت ابهی محروم ماند ولی بايد که بحکمت باشد. و حکمت اين است که بمدارای الهی و محبّت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبليغ نمايد نه اينکه بصمت و سکوت پردازد و بکلّی فراموش نمايد. خلاصه احبّای الهی را فردا فردا بتبليغ امراللّه تشويق نمائيد که حکمت مذکوره در کتاب نفس تبليغ است ولی بمدارا تأييدات الهيّه احاطه نمايد و توفيقات صمدانيّه رفيق گردد."

1. جرزه: بضمّ اوّل و ثانی و فتح ثالث زمين شوره زار را گويند [↑](#footnote-ref-1)
2. يراعه: قلم [↑](#footnote-ref-2)